



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله علمی و پژوهشی

## □ بشکه‌های پوشال

□ از: ابومهی‌آر  
(شاعر عرب)

اگر ایران،  
ایرانِ طاغوت می‌بود،  
ایرانِ شاه می‌بود،  
خشنود و دلشاد، خدای غربی‌تان و اشنگتن را،  
سپاس می‌گفتید.  
وبیاله‌های ناب پیروزی را،  
به سلامتی تهیدستان می‌نوشتیدید.  
به مسجد می‌رفتید، و تلویزیون، شما را نیایش‌کنان و دعاخوان،  
نمایش می‌داد.  
چه کسی را نیایش می‌کنید؟  
دعاهایتان برای کیست؟  
خود، بهتر از همه می‌دانید،  
که نماز و دعواتان برای «نمایش» است.

\*\*\*

اگر ایران،  
ایران آمریکا،  
ایران شاه می بود،  
خشنود و دلشاد بودید.  
روزگاری آسوده و خوش داشتید.  
ونفت بسیار و دلارهایی آبتن،  
— که همه دو قلوبی زائیدند—

مال شما بود.

\*\*\*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اما اگر ایران،  
ایران اسلامی شده  
ایران محرومان  
ایران آزادی،  
شما از آن است که می ترسید.  
روزگارتان اینک دستخوش آتش است،  
وتخت و بارگاهتان چوبی است.  
واتشی از دیدگان «تهران انقلاب» زبانه می کشد،  
ونفت،  
که برای شما چون برگ درخت،  
وغلف خرس است،  
در معرض این آتش است.

\*\*\*

چه کسی این طوفان وزنده را، از ایران بازتواند داشت؟  
این آنجیز،  
این موج پنهان در گنجینه؛  
بازمانده از روزگار آغازین اسلام است.

پس گوشه‌ایتان را تیز کنید و بشنوید، آقایان!  
شمشیرهای خیزرانی خود را مفرسائید،  
زیرا آن ترکه‌های پوک،  
شمشیر اسلام را نمی‌شکنند،  
لای و لجن تبهکارهای شما،  
راه و رسم قرآن را نمی‌زداید،  
و سرزمین اسلامی، بشکه‌ای سوراخ دار نیست،  
که سراپاشکمان و شکمبارگان، از آن بیاشامند.  
تا پس از انباشتن شکم خویش،  
لقمه‌ای نیز، برای دهانها  
از شکم خویش بالا آورند، و بگویند:  
این را بسوی دريوگان افکندیم.

نه آقایان

آتش زبانه کش تهران اسلامی، پینه‌ها را آب می‌کند.  
مزه‌ای تلخ دارد.  
و قدر شیرینی آن را تنها تهیدستان و اندوه‌زادگان در می‌یابند.  
این آتش انقلاب، دردستی قرآن  
و دردست دیگر، نور آزادگی انسان را دارد.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی